

سفیدشویی و نژادپرستی دولتی در شورش‌های نفرت در بریتانیا

آلبرتو توسکانو

ترجمه‌ی ساسان صدقی‌نیا

توضیح: در این متن آلبرتو توسکانو با بازسازی بستر تاریخی و سیاسی اسلام‌هراسی و خشونت نژادپرستانه که در هفته‌های اخیر بریتانیا را به آتش کشیده، ریشه‌های اجتماعی و سیاسی «شورش‌های نفرت» در این کشور را تحلیل می‌کند. آلبرتو توسکانو استاد و محقق دانشگاه سایمون فریزر و مدیر مرکز فلسفه و نظریه‌ی انتقادی در گلداسمیت، دانشگاه لندن است. او عضو هیئت تحریریه‌ی مجله‌ی «ماتریالیسم تاریخی» و نویسنده‌ی مقالات و کتاب‌های مختلف در زمینه‌ی جنبش کارگری، فلسفه‌ی فرانسوی و نقد سرمایه‌داری نژادی و از متفکران مرجع در این بحث‌ها در سطح جهانی است. از آلبرتو توسکانو اخیراً کتاب «فاشیسم متأخر: نژاد، سرمایه‌داری و سیاست بحران» توسط انتشارات Verso منتشر شده است.

جمعیت، هتل‌هایی که میزبان پناهجویان هستند را به آتش کشیدند، به مساجد حمله کردند، با مشت و چاقو به جان سیاه‌پوستان و رنگین‌پوستان افتادند، به آن‌ها درون خانه‌هایشان حمله‌ور شدند، فحاشی کرده و کسب‌وکارشان را آتش زدند. کانال‌های تلگرامی راست افراطی خواستار «نسل‌کشی» هستند و فهرستی از وکلای حامی مهاجرت را پخش می‌کنند. از سی‌ام ژوئیه موجی از خشونت‌های نژادپرستانه و اسلام‌هراسی، انگلستان و همچنین بلفاست در ایرلند شمالی را فرا گرفته است. دلیل این خشونت‌ها شایعات دروغینی است که قتل هولناک سه کودک در یک کلاس رقص تابستانی در شهر ساوت‌پورت را به یک مهاجر مسلمان نسبت می‌دهد. کشتار روزهای اخیر

وحشت را در اجتماع مهاجران در بیش از بیست شهر بزرگ و کوچک بریتانیا گسترش داده است. همان طور که مشاهدات روزنامه‌نگار، دنیل تریلینگ می‌گوید جمعیت هم به دلیل وحشیگری و هم به دلیل "گسترش جغرافیایی" - منطقه‌ای از ساندرلند در شمال تا پلیموث در جنوب- متمایز بودند. آن‌ها همچنین موفق شدند «تعداد بسیار بیشتری از شرکت‌کنندگان را در مقایسه با دسته‌جات کوچک فاشیست ستیزه‌جو که به تحریک خشونت کمک کردند» جذب کنند. تخمین زدن از شدت و میزان این وضعیت، سخت است. همان‌طور که مبارز تاریخی ضدفاشیست، بال‌ویندر سینگ رانا که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بخشی از فدراسیون جوانان هند و لیگ ضدنازی بود، بعد از بیش از پنجاه سال مبارزه با نژادپرستی و فاشیسم اظهار داشت: «من قبل از این هرگز چنین وضعیتی را ندیده بودم... هرگز تا این میزان اتفاق نیفتاده بود.» مقامات به نقش راست افراطی در شورش‌ها اذعان کرده‌اند اما مراقب بوده‌اند آنچه که باعث آن شده یعنی اسلام‌هراسی، نژادپرستی و خصومت با مهاجران را برجسته نکنند. آن‌ها در عوض از "هولیگانیسم" جنایتکارانه صحبت کردند و خواستار اختیارات جدید برای پلیس شدند. از معادل‌سازی دروغینی استفاده کردند تا تجمعات نژادپرستانه را (که بی‌بی‌سی به طور مبهم آن‌را "حامی بریتانیا" تعریف کرد) با تظاهرات ضدفاشیستی و ضدنژادپرستی در جبهه‌ی مخالف، یکسان نشان دهند. بدین ترتیب مقامات و مفسران، نقش غالب رسانه‌های اجتماعی را در فراهم کردن زیرساخت دیجیتال انفجار نفرت برجسته کرده‌اند: رسانه‌ها با هماهنگی خشونت‌های شووینیستی و با دور زدن گروه‌های ملی‌گرای سنتی سفید که در حال احتضار هستند، از سرعت و امکان انتشار اخبار جعلی حمایت کرده‌اند. تقلیل این رویدادها به هولیگانیسم و اطلاعات نادرست، تمرینی برای فراموشی و سفیدشویی تاریخی است.

در بریتانیا، مانند جاهای دیگر، نژادپرستی موجود در خیابان‌ها از سوی دولت، رسانه‌ها (به‌ویژه روزنامه‌هایی مانند دیلی میل و دیلی اکسپرس)، اتاق‌های فکر و دانشگاهیان ترویج شده است. همه از این استدلال خوشحال‌اند که سوءاستفاده‌ی نژادپرستانه و تجاوز فیزیکی مبتنی بر "نگرانی‌های مشروع" است. چهارده سال حکومت محافظه‌کاران چند هفته پیش با انتخاب کی‌یر استارمر از

حزب کارگر، یک میانه‌روی خشن به سمت نخست‌وزیری به پایان رسید. حکومت حزب محافظه‌کار با لفاظی‌ها و قوانینی مشخص شد که در برابر مهاجران تسلیم‌ناپذیر بود. در عین حال دستور کار مبارزه با تروریسم، احساسات ضد مسلمانان را در این کشور تقویت کرده است. ترزا می به‌عنوان وزیر کشور دستور داده بود با پلاکاردهایی که رو به مهاجران نوشته شده «به خانه برو» در خیابان‌های بعضی محله‌ها گشت‌زنی کنند. شعار کمپین برگزیت: «کنترل را پس بگیرید»، آشکارا به معنای بازپس‌گیری حاکمیت هم از بروکسل و هم از «خارجی‌ها» بود (که حملات خشونت‌آمیز علیه کارگران اروپای شرقی را مشروعیت می‌بخشید). بوریس جانسون توانست حرفه‌ی خود را در مقام یک شووینیست متحول کند و در سمت نخست‌وزیری کلیشه‌های نژادپرستانه می‌فروخت. برخی وعده‌ی او مبنی بر برگزیت را بی‌تردید تعبیر صریح‌تر «انگلیس را سفید نگه دارید»، تلقی کردند. چند سال پایانی حکومت حزب محافظه‌کار همراه با تشدید نژادپرستی دولتی بود برای مثال دو وزیر کشور راست افراطی، پریتی پتل و سوئلا براورمن هر دو از نمایندگان کنفرانس ملی محافظه‌کاری [کنفرانس سالانه‌ی ناسیونالیسم محافظه‌کار بریتانیا] بودند. طرح وحشتناک اخراج پناهجویان به رواندا مأموریت مرکزی آن‌ها بود. وعده‌ی انتخاباتی نخست‌وزیر سابق، ریشی سوناک مبنی بر: «فایده‌ها را متوقف کنید» همچون خاطره‌ای قوی عمل کرد به‌طوری که توسط برخی از نژادپرستان که هفته‌ی گذشته در خیابان‌های انگلیس وحشی‌گری بپا کردند تکرار شد. در ابتدای ماه ژوئیه، ۱۴.۳ درصد از رای‌دهندگان بریتانیایی [حتی] از کشتار مهاجران توسط محافظه‌کاران راضی نبودند و به حزب رفرم یوکی [حزب برگزیت سابق] به رهبری نایجل فراژ رای دادند، یکی از هواداران این حزب در حالی که همان توهین‌های سوناک را در فلش ماب‌های فاشیستی فریاد می‌زد، دستگیر شد. حزب کارگر هم از این پوسیدگی ایدئولوژیک مصون نیست. هدف قرار دادن جوامع مسلمان و توصیف مهاجرت به‌عنوان یک «مشکل»، شیوه‌هایی بود که قبلاً در سال‌های زمامداری تونی بلر و گوردون براون از حزب کارگر در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۰ وجود داشت. بلر بود که برنامه‌ی زیان‌آور توزیع پناهجویان در مناطق فقیر کشور را آغاز کرد در حالی که براون با شعار «شغل بریتانیایی برای کارگران بریتانیایی» معاشقه می‌کرد. مهم‌تر از همه‌ی این‌ها، حمایت

دولت حزب کارگر از جنگ ایالات متحده علیه تروریسم و تهاجم به عراق و افغانستان، نقش مهمی در تسریع بی‌ثباتی و خروج دسته جمعی از سراسر خاورمیانه ایفا کرد و پایه و اساس بسیاری از «بحران‌های مهاجرت» امروزی را ایجاد کرد. تعبیر معروف امبالاوانر سیواناندان متفکر ضدنژادپرستی، «ما اینجا هستیم زیرا شما آنجا بودید» را می‌توان هم در مورد رابطه‌ی تاریخی مهاجرت و امپراتوری بریتانیا و هم در مورد نقش اخیر بریتانیا در تسهیل عملکرد امپریالیسم ایالات متحده به کار برد. علاوه بر این پاکسازی داخلی حزب کارگر پس از سال ۲۰۲۰ - که از اتهام یهودستیزی به‌عنوان سلاحی برای از بین بردن میراث جرمی کوربین استفاده کرد - به معنای از بین بردن امکان سیاست مترقی در مورد نژاد و مهاجرت بود. حزب کارگر از یک ایده‌ی ورشکسته پیروی کرد یعنی تضعیف راست افراطی از طریق اتخاذ موضع سخت علیه پناهجویان و کارگران خارجی. همان منطقی که ژاک رانسیر فیلسوف فرانسوی در کشور خود ثبت و به شکلی موثر جمع‌بندی و بیان کرد: « برای خلع سلاح احساسات وحشی نژادپرستانه، اقدامات نژادپرستانه‌ی رسمی و معقول انجام دهید.»

بنابراین چندین سیاستمدار حزب کارگر به طور غیرمسئولانه در مورد میزبانی از پناهجویان در هتل‌ها صحبت اما از اتخاذ رویکرد غیرتنبیهی در مورد مهاجرت خودداری کردند. ایوت کوپر، وزیر کشور کنونی، در پاسخ به اتهامات مربوط به همدستی رهبری حزب کارگر در نسل‌کشی اسرائیل در غزه، به «مناطق طرفدار فلسطین» در شهرهای بریتانیا اشاره کرد این پژواک روشنی از لفاظی‌های جناح راست در مورد "مناطق ممنوعه" درون مناطق مسلمان‌نشین اروپا است. این در حالی است که نخست‌وزیر استارمر متعهد شده که وعده‌ی محافظه‌کاران برای توقف مهاجرت را دنبال کند (به نحوی که بی‌شباهت به ادعای معاون رئیس‌جمهور آمریکا، کامالا هریس در سخنرانی اخیر خود در مورد سیاست‌های مرزی ایالات متحده نیست). تصور تقابلی واضح‌تر از مواضع کوربین دشوار است. او یکی از اولین سخنرانی‌هایش را پس از انتخاب به رهبری حزب کارگر در سال ۲۰۱۵، در راهپیمایی استقبال از پناهجویان در وست مینستر ایراد کرد. اما امروز یکی از جسورترین حامیان چپ در بریتانیا، زاراح سلطانا نماینده‌ی مجلس است که در سال ۲۰۲۰

با قدرت اعلام کرد: «دشمن طبقه‌ی کارگر با جت شخصی سفر می‌کند نه با قایق مهاجر». او مجبور به ترک حزب کارگر شد و مورد حمله‌ی لفظی اد بالز رهبر سابق حزب کارگر جدید قرار گرفت (اد بالز همسر وزیر کشور ایوت کوپر است). همان‌طور که رانسیر خاطرنشان کرد در بریتانیا و همچنین در فرانسه، «نژادپرستی معقول، آرای راست افراطی نژادپرست را ذره‌ای تغییر نداد.» برعکس آن‌را افزایش داده و همزمان از روایت قربانی‌شدن سفیدپوستان که به خشونت‌های خیابانی نژادپرستانه دامن می‌زنند، عادی‌سازی می‌کند.

جامعه‌شناس لس‌بک از دانشگاه گلاسکو تاکید می‌کند چگونه هر دو حزب بزرگ بریتانیا به طرق مختلف احساس این‌که «طبقه‌ی کارگر سفیدپوست رها شده است» را ترویج و بنابراین «ظهور یک سیاست هویتی سفیدپوست، سرخوشانه و هراسناک را تشویق کردند که با رای برگزیت و ظهور مجدد یک ایدئولوژی آشکارا برتری‌طلبانه تقویت شده است.» به گفته‌ی بک احیای شدیدترین اشکال نژادپرستی انگلیسی، اشکال سازمانی عجیبی به خود گرفته است و هولیگانیسم فوتبال، "پوپولیسم" راست افراطی نایجل فراژ و قربانی‌شناسی بر اساس روایت «جایگزینی» را باهم ترکیب کرده است. این روایت مدت‌ها توسط استیون یاکسلی - لنون معروف به تامی رابینسون، رهبر سابق لیگ دفاع انگلیس که رهبری تظاهرات بزرگ ناسیونالیست‌های سفید و ضد‌مهاجر در ۲۷ ژوئیه در لندن را برعهده داشت، تبلیغ می‌شد.

فعالان ضدنژادپرستی در انگلیس از «جان سیاه‌پوستان مهم است» تا موسسه‌ی روابط نژادی، ویژگی‌های یک فاشیسم داخلی را در این رویدادها شناسایی کرده‌اند. به همین دلیل پاسخ به تهدید آن‌ها صرفاً به معنای نظارت بر فعالیت مجدد راست افراطی نیست. ما باید فرایندهای گسترده‌تری که خشونت خیابانی نژادپرستانه، سیاست‌های دولتی و بحران اجتماعی را به هم متصل می‌کند بشناسیم، پویش‌هایی که ریشه در تاریخ بریتانیا دارند.

در انگلیس شورش‌های نفرت یا "شورش‌های سفید" به مدت‌ها قبل از خشونت‌هایی که در هفته‌ی گذشته شاهد بودیم، باز می‌گردد. تنها بیست کیلومتر آنسوی ساوتپورت - نقطه‌ی شروع

درگیری‌های اخیر - لیورپول است جایی که ملوانان سفیدپوست که از خدمت در جنگ‌های جهانی اول و دوم بازمی‌گشتند در سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۴۸ علیه جوامع سیاه‌پوست، یمنی و چینی اقداماتی خشونت‌آمیز انجام دادند. همان‌طور که استوارت هال بیش از چهل سال پیش توضیح داد خشونت با نژادپرستی "مردمی" همراه بود و با سیاست‌های دولت علیه نژاد کارگران مهاجر همراه و تقویت شد: راهی برای پرت کردن حواس شهروندان بریتانیایی از فلاکت و ناامنی روزافزون ناشی از وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور. این نژادپرستی رایج در شورش‌های ناتینگ هیل علیه مهاجران هند غربی در سال ۱۹۵۸ دوباره به نمایش گذاشته شد. سپس در انتخابات میان‌دوره‌ای اسمت‌ویک در سال ۱۹۶۴ همراه با این شعار شورانگیزی محافظه‌کاران بیان شد: «اگر برای همسایه‌ای n-o می‌خواهید، به حزب کارگر رای دهید». نژادپرستی در سال ۱۹۶۸ با سخنرانی ننگین سیاستمدار محافظه‌کار، ایناک پاول بیش از پیش ریشه دوانید. او که جمعیت سفیدپوست بریتانیا را «خارجی‌هایی در کشور خود» نامید، پیش‌بینی کرد در صورتی که مهاجرت به شدت و بلافاصله محدود نشود، «رودخانه‌های خون» جاری خواهد شد. یک دهه بعد انقلاب نولیرال مارگارت تاچر این موضوع را مطرح کرد که مشخص است در داخل کشورهای مشترک المنافع، مهاجرت از پاکستان ترس عمومی را برانگیخته و «کشور می‌تواند توسط مردمی با فرهنگ متفاوت غرق شود».

امروزه این سمفونی تا حد زیادی به همین شکل باقی مانده است. با بازگشت به سخنان استوارت هال، نژاد همچنان «منشوری مناسب است که بحران از طریق آن درک می‌شود.» کسانی که در مواجهه با کشتار و شورش‌های نژادپرستانه‌ی امروز از «جوامع فراموش‌شده» و «طبقه‌ی کارگر سفیدپوست» صحبت می‌کنند ایده‌ای از این خشونت و اهدافش را همچون سرنوشتی مقدر و طبیعی توجیه می‌کنند. آن‌ها کار عامدانه و گسترده‌ی سیاسی و فرهنگی را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهند که مشکل را در «قایق‌های مهاجر» به جای «جت‌های شخصی» تعریف می‌کند. در حالی که راست افراطی به دستاوردهای انتخاباتی نگران‌کننده‌ای دست یافته و محافظه‌کاران به مسیر شوونیستی خود ادامه می‌دهند، حزب کارگر عمداً مبارزه‌ی ضدنژادپرستی مردمی که دفاع از

حقوق انسانی و اجتماعی مهاجران را با مبارزه‌ی گسترده برای برابری و بازتوزیع ثروت پیوند می‌دهد، کنار گذاشته است.

با این حال این گزینه در جامعه‌ی بریتانیا همچنان زنده است، بسیج مردمی که از پناهندگان و جوامع مسلمان در برابر بزدلی ظالمانه‌ی جمعیت نژادپرست دفاع کردند و تجمع مردمی در مساجد و هتل‌های میزبان پناهجویان، گواه این امر است. هزاران نفر از مردمی که بدن‌های خود را در برابر خشونت نژادپرستانه قرار داده و در سراسر انگلیس برای مقابله با فراخوان بیش از یکصد تظاهرات ضد مهاجرت در رسانه‌های اجتماعی، به خیابان‌ها آمدند. اکنون که دولت کی‌یر استارمر با این "ضداعتراضات" به مثابه تهدیدی برای نظم عمومی برخورد می‌کند و مقاومت آن‌ها را با این اوباش نفرت‌انگیز یکسان می‌داند، احیای سنت‌های ضد نژادپرستی و ضدفاشیستی بریتانیا به شجاعت و همبستگی آن‌ها بستگی دارد.

منبع: https://www.machina-deriveapprodi.com/post/whitewashing-e-razzismo-di-stato-nelle-rivolte-dell-odio-in-gran-bretagna?fbclid=IwY2xjawEpSb9leHRuA2FlbQIxMQABHak0HCSKGn9vfeAT1s8frxHtonlr0ZbKLYKpFDaNy2ZjYDjvopGsfinkQ_aem_bp81OI7OnzjMuWuGKmSkLw